



بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنیم به آقایان محترم، خبرگان مکرم و مجلل نظام جمهوری اسلامی. و تشکر میکنیم از مطالبی که در این اجلاس از سوی آقایان مطرح شده، که نشان دهنده‌ی حساسیت نسبت به مسائل و حوادث کشور و احساس مسئولیت نسبت به آینده‌ی کشور است. ان شاء الله خداوند متعال به شما توفیق بدهد و به همه‌ی ما کمک کند که بتوانیم در انجام وظائفی که بر دوش ماست، با نیت خالص سعی خودمان را به کار ببریم. تأثیر آن با خداست، قبول آن بسته به کرم و لطف الهی است؛ لیکن هر کدامان در هر جایی که هستیم، باید تلاش را بکنیم، باید همت را بگماریم بر پیشرفت کارها.

لازم میدانم قبل از آنکه مطالبی را عرض کنم که یادداشت کرده‌ام، از مردم عزیزمان تشکر کنم، تقدیر کنم، از آنها تجلیل کنم، به خاطر این حضور بموقع و بهنگام و بسیار اثرگذاری که در این انتخابات داشتند. حقیقتاً مردم عزیز ما سنگ تمام گذاشتند و در عرصه‌ی رویاروی با جبهه‌ی مخالفان و دشمنان کشور و دشمنان مردم، قدرت ناشی از ایمان و بصیرت را به میدان آوردند. هر کسی که بداند در طول این ماه‌های گذشته چه تلاشی از سوی دشمنان شد برای اینکه روز دوازده اسفند را کمرنگ و مضمحل کنند، بداند چقدر خرج کردند، چقدر استخدام کردند، چقدر طراحی کردند، چقدر در اتاقهای فکر جمله‌سازی کردند تا اینها را به ذهن مردم منتقل کنند و در عمل مردم تأثیر بگذارند، میفهمد که چقدر کار مردم کار بزرگی بود و حرکت، حرکت عظیمی بود.

انسان اولاً بایستی شکر خدا را بکند؛ چون از اوست، متعلق به اوست، ناشی از اراده‌ی الهی و رحمت و فضل پروردگار است. و آنگاه انسان باید با همه‌ی وجود از مردم تشکر کند؛ چون این رحمت الهی، بی‌سبب و بدون جهت به کسی، به ملتی، به امتی، به کشوری داده نمیشود. در دعا میخوانیم که: «اللهم انی اسئلك موجبات رحمتك». ما بایستی موجبات رحمت را فراهم کنیم، آن وقت باران فیاض و سیل آسای رحمت و فضل الهی بر سر ما خواهد بارید. مردم ما موجبات رحمت الهی را فراهم کردند. حضور مردم در صحنه، ایستادگی‌شان در مقابل هجمه‌ی دشمنان، بصیرتشان، اینها همه موجبات رحمت الهی بود. توفیق برآوردن این موجبات هم باز متعلق به خدای متعال است. هم از خدای متعال سپاسگزاریم و در مقابل او جبهه‌ی سپاس بر خاک میگذاریم، هم از مردم عزیزمان با همه‌ی وجود تشکر میکنیم و امیدواریم که خداوند پاداش کافی و کامل به مردم عنایت کند.

مطلبی که من میخواهم عرض بکنم، حول و حوش مسئله‌ی انتخابات است. انتخابات يك حادثه‌ی گذرا نیست، يك حادثه‌ی اثرگذار است؛ لذا روی این باید تأمل کنیم. اولاً انتخابات رکن مهم نظام است. نظام مردم‌سالاری دینی، متکی به انتخابات است. بدون انتخابات، مردم‌سالاری نخواهد بود. معیار تکیه‌ی به مردم، معیار مشهود و محسوس و قابل اندازه‌گیری، همین انتخابات است. بنابراین هر کسی به نظام اسلامی اعتقاد دارد، در این اعتقاد صادق است، شرکت در انتخابات را وظیفه‌ی خودش میداند؛ ولو حالا ممکن است اعتراضی هم به يك چیزی، به خود این انتخابات، به يك شکلی از اشکال انتخابات داشته باشد؛ لیکن در عین حال با وجود اعتراض، وارد میدان انتخابات میشود؛ این وظیفه است. بنابراین همه‌ی کسانی که در سرتاسر کشور وارد این عرصه شدند، به این واجب عمل کردند؛ این وظیفه را انجام دادند؛ فهم صحیح خودشان را نشان دادند. این فهم صحیح نشان میدهد که مسئله‌ی انتخابات، مسئله‌ی رکن نظام است. ما نمیتوانیم از این مسئله صرف نظر کنیم، به صرف اینکه یا به زید و عمروئی معترضیم، یا به شیئی و شیئی معترضیم. این اعتراضها مانع از این نمیشود؛ این نکته‌ی اساسی و اصلی است.



يك اثری که این انتخابات داشت - و انتخاباتها غالباً این اثر را دارد - مسئله‌ی توهّم زدائی است. انتخابات مثل يك سیلی بیدار کننده و هشیار کننده است به کسانی که در توهّمات خودشان غوطه میخورند و خیالپردازی میکنند؛ راجع به آینده‌ی نظام، راجع به اصل نظام، راجع به مردم، راجع به کشور، راجع به دشمن توهّماتی در ذهن دارند، تخیلاتی دارند، غرق در این توهّمات هستند. انتخابات، اینها را از این توهّمات خارج میکند؛ حقیقت را جلوی اینها میگذارد.

ما دو روز پیش از این شنیدیم که رئیس جمهور آمریکا گفته است ما به جنگ با ایران فکر نمیکنیم. خیلی خوب؛ این خوب است، این حرف عاقلانه‌ای است، این خروج از توهّم است. در کنارش گفته است که ما با تحریم، مردم ایران را به زانو درمی‌آوریم - نقل به مضمون - این توهّم است. آن خروج از توهّم در آن بخش اول خوب است، باقی ماندن در توهّم در این بخش دوم به آنها ضربه خواهد زد. وقتی محاسبات انسان بر مبنای توهّم بود، بر مبنای واقعیتها نبود، پیداست که در برنامه‌ریزی‌ای که بر اساس این محاسبات انجام میدهد، شکست خواهد خورد؛ و این، همین است.

خب، الان يك سال است که به قول خودشان تحریمهای فلج‌کننده و چه و چه اعمال میکنند - البته تحریم ما سی و سه سال است - گفتند هم که هدف، جدا کردن مردم از نظام اسلامی است؛ اما دیدند که مردم آمدند آنجا، به نظام اسلامی رأی دادند. رأی به هر نامزد انتخاباتی، آمدن پای هر صندوق، رأی به نظام اسلامی است؛ مردم این را نشان دادند. ما عرض کردیم که انتخابات، يك سیلی است؛ این سیلی انواع و اقسامی دارد؛ یکی از انواع سیلی، سیلی بیدار کننده است، هشیار کننده است. بنابراین، این انتخابات ما خاصیت سیلی زدن را هم داشت.

نکته‌ی دوم که اشارتاً عرض شد، این است که انتخابات نشان دهنده‌ی اعتماد مردم به نظام است. بعد از انتخابات پر سر و صدای پر حادثه‌ی سال 88، بعضی اینجوری پیش‌بینی میکردند که اعتماد مردم از نظام سلب شد؛ مردم دیگر پای صندوقها نمی‌آیند. این انتخابات، يك پاسخ قاطع و روشن بود به این تصور غلط، به این استنتاج غلط، این گمانه‌زنی خطا. مردم این گمانه‌زنی‌ها را تخطئه کردند؛ نشان دادند که نخیر، به نظام اسلامی پایبندند، به آن اعتماد دارند، به ندای او - که میگوید من صندوق رأی گذاشتم، بیائید رأی خودتان را بدهید و برنامه را تنظیم کنید - پاسخ میدهند و می‌آیند وارد میدان میشوند. همین طور که عرض کردیم، هر يك رأی، در واقع رأی به نظام جمهوری اسلامی بود. این اکثریت قاطعی که به میدان آمدند، یکی از بالاترین رقمها و نسبتهای انتخابات ما در طول این سی و سه سال بود. بعد از گذشت سی و سه سال، مردم اینجور وارد میدان میشوند؛ این نشان‌دهنده‌ی اعتماد کامل است.

يك نکته‌ی دیگری که انسان در این انتخابات میدید و مشهود بود، بصیرت و تعالی فکری مردم بود. مردم با تحلیل وارد انتخابات شدند و رأی دادند؛ تحلیل داشتند. شما میدیدید از آن جوان رأی اوّلی تا آن مرد و زن که نسل، هر کس از آنها سؤال میکرد که شما چرا رأی میدهید، يك تحلیلی پای آن میگذاشتند، يك دلیلی ذکر میکردند؛ صرف این نبود که خب، انتخابات است، باید بیائیم رأی بدهیم؛ نه، میگفتند برای چه می‌خواهیم رأی بدهیم؛ چون دشمن ما کمین کرده است، چون گرگهای گرسنه کمین کرده‌اند؛ که ان‌شاءالله بنده در يك گفتار دیگری تشریح خواهم کرد که چگونه اینها کمین گرفتند برای بلعیدن و دریدن، به خیال اینکه این برّه است و میشود دریدش؛ نمیدانند شیر است و نمیشود نزدیکش شد! مردم دیدند این جبهه را، دیدند دشمنی‌ها را، دیدند هدفگذاری دشمن و جبهه‌ی معاند را؛ لذا با بصیرت وارد شدند، با تحلیل وارد شدند؛ و این خیلی مهم است.

يك نکته‌ی دیگری که بر این انتخابات مترتب است، این است که حالا مجلسی که برآمده‌ی از این انتخابات است، مسئولیت سنگینی دارد. همیشه همین جور است؛ رؤسای ما هم که منتخب مردمند، هر مسئولی در هر سطحی که



منتخب مردم است، به اندازه‌ی سنگینی بار انتخاب، بار مسئولیت او سنگین است. در این شرایط، با این هیاهوی دشمن، آمدن مردم توی این میدان، این مجلسی که تشکیل خواهد شد، مجلس بسیار پرمسئولیتی است. ما از همین حالا به این برادران و خواهرانی که ان‌شاءالله در مجلس خواهند آمد - آنهایی که انتخاب شده‌اند و آنهایی که در مرحله‌ی دوم انتخاب خواهند شد - عرض میکنیم بدانند چه بار سنگینی بر دوش آنهاست؛ بیایند با خردمندی و تدبیر، وظائفشان را انجام بدهند.

اهمیت کشور به تنظیم قوانین این کشور است. ما در همه‌ی مسائل احتیاج داریم به قانونهای راهگشا. نمایندگان مجلس حقیقت را نگاه کنند، نیاز را بشناسند، بر طبق نیاز، درست آن درمان لازم را برای هر درد و هر شکایتی جلوی پای مسئولین بگذارند. قانون باید راهگشا باشد. قانونی که راه‌ها را ببندد، کارها را مشکل کند، یا قابل اجرا نباشد، یا مشکلات فراوان درست کند، یا دچار تناقض باشد، فایده ندارد. صرف اینکه ما بنشینیم یک قانونی تهیه و تنظیم کنیم، کافی نیست؛ بدانیم که قانون بایستی راهگشا باشد، مدبرانه باشد.

تشکیل دولتها بر عهده‌ی مجالس است. در گزینش‌هایشان بدانند چه کسی را با چه نیازی، برای چه مقصودی، با چه مزایائی، با چه خصوصیات انتخاب میکنند. هم دقت کنند، هم انصاف داشته باشند. ما توصیه نمیکنیم به این که دقت نکنند، اگرچه گاهی اوقات این دقتها و موشکافی‌ها به بی‌انصافی‌های منتهی بشود. دقت کنند، همراه با انصاف؛ هوشمندانه حرکت کنند، همراه با اخلاص. واقعاً آن چیزی که اساس قضیه است، اخلاص است. جناب آقای مهدوی در بیاناتشان اشاره کردند که نفوذ کلمه‌ی امام و رؤ شدن آن چیزی که امام طراحی کرده بودند، بیشتر به خاطر اخلاص امام بود. واقعاً همین جور بود؛ مرد با اخلاصی بود، وجودش سر تا پا اخلاص بود. ما اگر اخلاص داشته باشیم، کارهامان پیش میرود. هم مسئولین در قوه‌ی مقننه، هم در قوه‌ی قضائیه، هم در مناصب روحانی، هم در مناصب نظامی - در مناصب گوناگون - آن چیزی که لازم است، این است که ما تکلیف را بشناسیم و برای خاطر تکلیفمان کار را انجام بدهیم؛ ملاحظات دیگر را مخلوط نکنیم.

البته من در اینجا این را هم حتماً تذکر بدهم: تشکر از دست‌اندرکاران کار انتخابات. حالا جناب آقای یزدی اشاره کردند به این که از شورای نگهبان تشکر شده. واقعاً همین جور است. انسان وقتی از نزدیک حجم کار را، ظرافت کار را، سختی کار را می‌بیند، در دلش این افراد را تکریم میکند. من به جناب آقای جنتی و بعضی از آقایان عرض میکردم که واقعاً هر وقت یادم می‌آید کاری را که شماها دارید میکنید، در دلم شما را تکریم میکنم. مکرر در مکرر دعا میکردیم که خدا به اینها قوت بدهد، توانائی بدهد؛ هم اینها، هم دولت و وزارت کشور، هم مسئولین حفاظت و امنیت که توانستند امنیت انتخابات را تأمین کنند، هم مسئولین تبلیغات، صدا و سیما و دیگران. اینها واقعاً کارهای برجسته و بزرگی انجام دادند؛ توانستند این مسئولیت بزرگ را، این کار بزرگ را، این پروژه‌ی بسیار سنگین و مهم و حیاتی را به بهترین وجهی از آب دریاورند. خب، این الگوی ماست؛ الگوی مردم‌سالاری اسلامی.

در مردم‌سالاری اسلامی، روح، لب و ماده‌ی اصلی عبارت است از اسلام؛ از این هیچ تخطی‌ای نباید بشود؛ و وجود ندارد و ان‌شاءالله بعد از این هم نخواهد داشت. در تنظیم قوانین، در گزینش افراد، معیار ما اسلام است. شکل کار، قالب کار، روش مدیریت، مردم‌سالاری است؛ یعنی مردمند که وارد صحنه میشوند، به اسلام هم از بن دندان عقیده دارند؛ ولو حالا ممکن است کسی از ظواهر بعضی از آنها حدس نزند که اینها به اسلام و به نظام اسلامی پایبندند؛ اما واقعاً پایبندند، اسلام را دوست میدارند.

تجربه‌ی این سی و سه سال هم نشان داده که اسلام میتواند به یک کشور عزت بدهد؛ میتواند یک ملت را سربلند کند؛ میتواند اهداف خوبی را ترسیم کند؛ میتواند راه‌هایی را به سوی این اهداف، هموار و مسطح کند؛ میتواند



حرکت علمی ایجاد کند؛ میتواند حرکت فناوری و صنعتی ایجاد کند؛ میتواند حرکت تقوایی و اخلاقی ایجاد کند؛ میتواند آنها را در مقابل ملت‌های دیگر روسفید کند؛ اینها اتفاقاتی است که در کشور ما افتاده؛ اینها کارهای بزرگی است که به برکت اسلام در این کشور انجام گرفته. اسلام همچنان لب و محتوا و ماده‌ی اصلی حرکت نظام ماست، شکل هم شکل مردم‌سالاری است؛ از هم جدا نیستند. یعنی این مردم‌سالاری هم باز از خود اسلام سرچشمه گرفته.

اینکه گفته بشود ما مردم‌سالاری را از غربی‌ها یاد گرفتیم، خطاست. صورت ظاهر، یکی است؛ اما مردم‌سالاری ما ریشه در یک معرفت دینی دیگر و یک جهان‌بینی دیگری دارد، تا آنچه که آنها می‌گویند. ما برای انسانها کرامت قائلیم، برای رأی آنها ارزش قائلیم و حضور آنها را وسیله‌ای میدانیم برای اینکه اهداف الهی تحقق پیدا کند و بدون آن امکان‌پذیر نیست.

غربی‌ها جور دیگری عمل میکنند. البته هم ما چهارچوبهائی داریم، هم آنها؛ آنها چهارچوبه‌اشان ظالمانه است. در یک کشوری کسی به افسانه‌ی هولوکاست اعتراض میکند، میگوید من قبول ندارم؛ او را زندان می‌اندازند، محکومش میکنند که چرا یک حادثه‌ی پنداری تاریخی را انکار میکنی! حالا گیرم پنداری هم نباشد - واقعی باشد - خیلی خوب، انکار یک حادثه‌ی واقعی تاریخی مگر جرم است؟ اگر برای کسی روشن نشد، ثابت نشد و او انکار کرد یا حتی در آن تردید کرد، او را بیندازند زندان! الان در کشورهای مدعی تمدن در اروپا قضیه این است: اگر کسی اعتراض کند، تردید کند، قبول نداشته باشد، دادگاه‌ها محکومش میکنند؛ آن وقت به پیغمبر اعظم، به این انسان برجسته‌ی همه‌ی تاریخ، صریحاً اهانت میکنند، مقدسات یک میلیارد و نیم مسلمان را مورد توهین قرار میدهند، کسی حق ندارد به این اعتراض کند که چرا شما این کار را کردید! ببینید این چه چهارچوبه‌ی غلط و مفتضحی است. چهارچوب آنها این است. اگر کسی در آنجا با حجاب ظاهر بشود - در دانشگاه یا در محیط کار - مجرم است! این چهارچوب است دیگر، منتها چهارچوبه‌ی غلط و معوج، برخلاف فطرت انسان، برخلاف فهم درست انسان. چهارچوبه‌ی ما چهارچوبه‌ی الهی است: ما با فساد مخالفیم، با فحشا مخالفیم، با انواع و اقسام انحرافات بشری مخالفیم، برابر آنچه که شریعت و دین به ما می‌آموزد. ما معتقدیم بایستی در مقابل این انحرافها ایستاد، راه‌های زندگی را باید از اسلام و قرآن و الهام الهی و وحی الهی گرفت. این چهارچوب ماست. این شد مردم‌سالاری دینی. این الگوی ماست.

ملت‌های مسلمان هم اگر میخواهند بدانند جمهوری اسلامی چه میگوید و داعیه‌ی او چیست، بدانند ما داعیه‌مان این است: ما از اسلام صرف نظر نمیکنیم؛ احکام الهی و شریعت الهی را که شریعت اسلامی است، در همه‌ی امور زندگی‌مان واجب‌الاتباع میدانیم؛ تلاش و سعیمان هم این است که به این برسیم. چهارچوب و قالب ما برای ورود در این میدان هم مردم‌سالاری دینی است. مردم باید بیایند انتخاب کنند. قانونگذار را که بر این اساس قانون خواهد گذاشت، بایستی مردم معین کنند. مجری را باید مردم معین کنند. همه چیز با انتخاب مردم، با حضور مردم، با عزت مردم و کرامت مردم است.

امیدواریم خدای متعال ما را موفق بدارد که این راه را بدرستی ادامه بدهیم، خودمان را از انحرافها مصون نگه داریم و بتوانیم ان شاء الله به آن اهداف عالی‌ه برسیم و مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) باشیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته